

رابطه ابعاد سیاسی و زبانی هویت ملی و مشارکت سیاسی افراد بالای ۱۸ سال شهرستان بهشهر

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۵

کد مقاله: ۹۲۲۸۰

داود رضی^۱، ابراهیم رودباری^{۲*}، احمد رضایی^۳

چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی تأثیر ابعاد سیاسی و زبانی هویت ملی بر مشارکت سیاسی افراد بالای ۱۸ سال شهرستان بهشهر می‌باشد. از پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. روش تحقیق توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری آن را کلیه افراد بالای ۱۸ سال شهرستان بهشهر به طور تخمینی برابر با ۱۴۵ هزار نفر تشکیل داده اند. نمونه آماری با استفاده از جدول کرجسی مورگان، ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شده است. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای از نوع تصادفی بود. داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی با استفاده از آزمون پیرسون مورد تجزیه و تحلیل واقع شدند. در این تحقیق برای سنجش گویه‌های هویت ملی از دو بُعد سیاسی، بُعد زبانی و مشارکت سیاسی از دو بُعد مشارکت سیاسی مثبت و مشارکت سیاسی منفی استفاده شده است. نتایج یافته‌ها نشان داد که بین ابعاد هویت ملی (بُعد سیاسی، بُعد زبانی) و مشارکت سیاسی افراد بالای ۱۸ سال شهرستان بهشهر رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: هویت ملی، مشارکت سیاسی، جوانان، شهرستان بهشهر

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.
۲- نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.
۳- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

توسعه سیاسی از شاخص های مهم و اساسی توسعه می باشد که لوسین پای از صاحب نظران بنام توسعه سیاسی، این مفهوم را در معانی فراوانی به کار برده است، نوگرایی سیاسی، عملکرد ملت کشور، توسعه اقتصادی - اداری، بسیج عمومی مشارکت، استقرار دموکراسی، تغییر و تحول منظم و با ثبات و بسیج قدرت. (از کیا، ۱۳۸۶: ۵۰). از شاخص های مهم توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی می باشد که بالابردن میزان مشارکت سیاسی جامعه بیان کننده تمایل مردم به شرکت در فرایند تصمیم گیریهای سطح خرد و کلان محیط پیرامون خود است و این از نشانه های یک دموکراسی موفق و پویا است. مشارکت سیاسی عبارت است از: دخالت و همکاری مردم و نهادهای مردمی در پیدایش و ایجاد مراکز قدرت، چگونگی اعمال قدرت، گزینش افرادی که اعمال کننده حاکمیت و قدرت اند، تعیین ضوابطی که قدرت در چارچوب آنها باید اعمال شود - یعنی حاکم بر اعمال قدرت اند - همراهی و فعال بودن مردم در نظارت بر حسن انجام این امور در تمام مراحل آن و همه شؤون دیگر مربوط به «قدرت» (نظری، ۱۳۹۰). مشارکت افراد در فرایندهای سیاسی به عنوان بازیگران موثر به نوعی دغدغه همه نظام های سیاسی با خاستگاه مردم سالار است. مشارکت سیاسی یعنی دخالت مستقیم افراد در تصمیم گیری های اجتماعی تا حقوق و آزادی های آنان از گزند تصمیم های گروه کوچک و دور از دسترس و اغلب ناشناس در امان باشد. مشارکت را میشود در چند بخش فرهنگی، اجتماعی، شغلی و سیاسی تقسیم بندی نمود و در مفهوم کلی یک هدف جمعی و تلاش برای دستیابی به آن می باشد (دلبرپور و نجاتی، ۱۳۹۶). جبرینت پری معتقد است که در بررسی مشارکت سیاسی باید به سه جنبه آن توجه شود: اول شیوه مشارکت است: منظور این است که چه شکلی به خود می گیرد، رسمی یا غیر رسمی. دوم شدت مشارکت می باشد: منظور تعداد دفعاتی است که فرد در فعالیت سیاسی مشخص شرکت می کند. سوم کیفیت مشارکت است که همان میزان اثربخشی است که در نتیجه مشارکت به دست می آید و سنجش تأثیر آن بر کسانی که قدرت را اعمال می کنند (راش، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

بنابراین، به جرأت می توان توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را مقید و مشروط به امر مشارکت مردمی دانست؛ زیرا در توسعه، هدف ظهور قابلیت های افراد در دو سطح حیات فردی و حیات اجتماعی است، و این ظهور و بروز تنها در اثبات مشارکت محقق می شود. از طرفی پیش شرط هرگونه مشارکتی، ایجاد و فراهم سازی شرایط مناسب برای ظهور توانایی های نظری و عملی اقشار جامعه است. زیرا مردم در اجرای تصمیماتی که خود در تعیین آنها نقش داشته، برنامه ریزی کرده و آن را کنترل و ارزیابی کنند، مشارکت فعال و هدفمندی خواهند داشت (مکاریان فرگ، ۱۳۹۳).

اساساً هر انسانی برای داشتن نظام حکومتی مورد علاقه خود نیازمند به مشارکت سیاسی بوده و بدون حضور فعال در عرصه سیاست جایگاه مناسب خود را نمیتواند بیابد. همچنین مشارکت سیاسی نمایانگر وظیفه شناسی و وفاداری افراد به نظام سیاسی است و مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی را افزایش می دهد. اما مشارکت در زندگی جمعی و در گروهها و سازمانهای اجتماعی، از جمله شوراها و احزاب و انتخابات، ارتباط نزدیکی با هویت جمعی و بالخصوص هویت ملی افراد دارد (کامران و هاتفی، ۱۳۹۳). گاهی مشارکت سیاسی از جهت این که موضوع آن، انجام یا ترک یک فعل است، به مشارکت مثبت و منفی تقسیم می شود. در این تقسیم بندی، مراد از «مشارکت مثبت» همکاری و همپاری مردم در ساماندهی و یا استمرار یک نهاد سیاسی در چارچوب های پذیرفته شده است. در مقابل آن، «مشارکت منفی» عبارت است از مقابله و مبارزه با وضعیت موجود؛ یعنی افراد با عدم همکاری در واقع مخالفت عملی خود را با وضعیت سیاسی حاکم اعلام می دارند. حتی اگر اطلاق مشارکت بر «مشارکت منفی» پذیرفته باشد، در این مقال مورد نظر و محل بحث نیست. از جهت دیگر و به لحاظ شکل مشارکت مردم در نظام سیاسی، مشارکت سیاسی به مشارکت سازمان یافته و ساختاری و مشارکت غیرساختاری و سازمان نیافته تقسیم می شود. در مشارکت سیاسی ساختاری، مردم در قالب تشکلهایی همانند احزاب، انجمن ها، سازمان ها و غیره در سرنوشت سیاسی خود شرکت می کنند؛ اما مشارکت غیرساختاری، همراهی فرد فرد مردم است در ساماندهی زندگی سیاسی خود (نظری، ۱۳۹۰).

امروزه هیچ حکومتی نمی تواند نقش مردم را، که از ضروریات نظام مردم سالار است نادیده انگارد، زیرا قدرت بر اساس روابط جمعی میان انسانها شکل می گیرد و معنا می یابد و بدون این مناسبات جمعی قدرت تبلور نخواهد داشت این است که برخی مشارکت سیاسی را از ویژگی های بارز جامعه مدنی دانسته اند که در شکل گیری نظام های سیاسی، تحقق توسعه سیاسی و اقتصادی و حفظ ثبات نظام سیاسی نقش اساسی دارد و معیاری برای به وجود آمدن دموکراسی است. از نگاه برخی از پژوهشگران هویت ملی به عنوان پدیده ای اجتماعی - سیاسی، محصول دوران مدرن اروپاست و این مفهوم از اواخر قرن نوزدهم به کشورهای جهان سوم و تازه استقلال یافته، راه پیدا کرد. بنابراین می توان شکل گیری هویت ملی را با شکل گیری ملت به معنای امروزی آن مقارن دانست (علم، ۱۳۸۶: ۱۰۱). هویت ملی به دلیل تأثیر زیادش در تمامی حوزه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی، مهم ترین نوع از انواع هویت است (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۹). به عبارت روشن تر، هویت ملی فراگیرترین و درعین حال مشروع ترین سطح هویت در تمامی نظام های اجتماعی است (حیدری، ۱۳۸۳: ۳۴۴). این اصطلاح درعین حال مفهومی دوجبهی است که همانند اصطلاح هویت، همزمان بر افتراق و اشتراک دلالت دارد و امری انباشتی و تراکمی است. در تعریف هویت ملی نکته

اصلی این است که فرد خودش را عضو چه واحد سیاسی می‌داند و تا چه اندازه با واحد سیاسی احساس یگانگی می‌کند؛ به عبارت دیگر، مسئله این است که آیا افرادی که از لحاظ فیزیکی در یک جغرافیای سیاسی خاص و نظام حکومتی خاص قرار دارند، خود را از لحاظ روانی هم عضو این نظام سیاسی می‌دانند یا نه؟ (قیصری، ۱۳۷۷: ۵۰). ملت و هویت ملی مفاهیم مرتبط با هم هستند و اصولاً ملتی با ویژگی‌های امروزی آن لازم است تا هویت ملی شکل گیرد. هویت ملی فراگیرترین و گسترده‌ترین هویت اجتماعی در سطح جامعه بوده و عبارت است از «مجموعه ویژگی‌ها، دل‌بستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، حماسی و قومی که زندگی انسانی را دربرمی‌گیرد و عضو جامعه به آن می‌بالد و افتخار می‌کند» (روح‌الامینی، ۱۳۸۳: ۲۲). هویت ملی از لحاظ تحلیل شامل ابعاد زیر است: بعد زبانی هویت ملی: این بعد، میراث مکتوب، مجموعه‌های داستانی، ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، تصنیف‌ها، متل‌ها و چیستان‌ها و دل‌بستگی و تعلق خاطر بدان‌ها را شامل می‌شود. همان‌گونه که در تعریف مفهومی گفته شد، در این متغیر ما چند ویژگی مانند: عشق ورزیدن به زبان فارسی، آشنایی با شاعران ایرانی، به‌کارگیری ضرب‌المثل‌های ایرانی را مدنظر قرار می‌دهیم.

بعد سیاسی هویت ملی: میزان وفاداری اعضای یک سرزمین جغرافیایی نسبت به نهادها، نظام حکومتی، ارزش‌ها و ایدئولوژی سیاسی و مرزهای کشور را می‌سنجد. برای سنجش این بعد از هویت ملی از معرف‌های نماد، نظام حکومتی و ایدئولوژی سیاسی استفاده شد.

در واقع هویت ملی مجموعه‌ای از آثار و مشخصه‌هایی است که سبب تفاوت جوامع ملی از یکدیگر می‌شود. هویت ایرانی دارای اجزا و عناصری است که با آن شناخته می‌شود. برخی نمادهای ملی مانند پرچم، سرود ملی، زبان فارسی، اسطوره‌ها، عید نوروز و مانند آن، معرف کشوری به نام ایران است.

از سوی دیگر ضرورت حکومت مطلوب و پشتیبانی از آن مشارکت همه جانبه را می‌طلبد. همچنین مشارکت سیاسی نمایانگر وظیفه‌شناسی و وفاداری افراد به نظام سیاسی است و مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی را افزایش می‌دهد. اما مشارکت در زندگی جمعی و در گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی، از جمله شوراها و احزاب و انتخابات، ارتباط نزدیکی با هویت جمعی و بالخصوص هویت ملی افراد دارد. به نظر می‌رسد، تمایل و اقدام به مشارکت سیاسی تمامی اقشار تشکیل دهنده یک جمعیت در درون مرزهای ملی نیز بستگی تنگاتنگی با مسئله هویت ملی دارد، زیرا هویت ملی است که اصول و بنیادهای مشترک دیر پای مردم یک سرزمین را که برگرد آن وحدت پیدا می‌کنند، نشان می‌دهد. هنگامی که این بنیادهای تشکیل دهنده هویت ملی یک جامعه مشخص شود، می‌توان بر اساس آن چهارچوبی از برنامه توسعه سیاسی را استوار ساخت که تعیین کننده مشارکت تمامی مردم ساکن آن سرزمین باشد (نظری، ۱۳۹۰). بدین ترتیب نمی‌توان بدون توجه به مسئله مهم هویت ملی انتظار تلاش برای رسیدن به وحدت ملی و توسعه اقتصادی-سیاسی داشت، چرا که در این صورت بنیادهای اساسی مشترک مردمان یک سرزمین که باید بر پایه آنها طرح وحدت ملی و توسعه سیاسی و اقتصادی را ریخت، روشن نیست. بدین ترتیب با تقویت هویت ملی ایرانی است که می‌توان زمینه مشارکت افراد را در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور تضمین کرد و بدین طریق وحدت ملی را تحقق بخشید (کامران و هاتفی، ۱۳۹۳). به نظر می‌رسد، تمایل و اقدام به مشارکت سیاسی در تمامی اقشار تشکیل دهنده یک جمعیت در درون مرزهای ملی نیز، وابستگی تنگاتنگی با مسئله هویت ملی دارد، زیرا هویت ملی است که اصول و بنیادهای مشترک دیر پای مردم یک سرزمین را که برگرد آن وحدت پیدا می‌کنند، نشان می‌دهد. هنگامی که این بنیادهای تشکیل دهنده هویت ملی یک جامعه مشخص شود، می‌توان بر اساس آن چهارچوبی از برنامه توسعه سیاسی را استوار ساخت که تعیین کننده مشارکت تمامی مردم ساکن آن سرزمین باشد. بدین ترتیب نمی‌توان بدون توجه به مسئله مهم هویت ملی انتظار تلاش برای رسیدن به وحدت ملی و توسعه اقتصادی-سیاسی داشت، چرا که در این صورت بنیادهای اساسی مشترک مردمان یک سرزمین که باید بر پایه آنها طرح وحدت ملی و توسعه سیاسی و اقتصادی را ریخت روشن نیست (اشفورد، ۲۰۱۵).

بدین ترتیب با تقویت هویت ملی ایرانی است که می‌توان زمینه مشارکت افراد را در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور تضمین کرد و بدین طریق وحدت ملی را تحقق بخشید. از سوی دیگر تقویت فراگیر هویت ملی موجب جذب همه ایرانیان فارغ از هر تعلق دینی، زبانی و قومی می‌شود و زمینه مشارکت همه جانبه آنها را برای بازسازی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران فراهم می‌سازد (رحیمی رستم آبادی و همکاران، ۱۳۸۹). در مقابل، فقدان یا ضعف هویت ملی موجب می‌گردد که افراد در شناخت نیازهای جامعه و جایگاه و مسولیت خویش دچار ابهام و سرگردانی گردند. بحران در هویت ملی و نبود شخصیت اجتماعی استوار زمینه را برای گرایش افراد به سمت و سوی نامطلوب فرهنگی و اجتماعی فراهم آورده و رویگردانی آنان را از هنجارهای سازنده اجتماعی سبب می‌شود (ابوالحسنی، ۱۳۸۹). یکی از مؤلفه‌های اساسی برای سنجش توسعه یافتگی شهرها، میزان مشارکت مردم در سرنوشت خودشان است. حضور مردم در انتخابات شورای شهر از نشانه‌های پیشرفت و خیزش برای اجرا و بروردن نیازهای ساکنان شهرهاست. رأی‌گیری در انتخابات از بارزترین جلوه‌های مشارکت اعضای جامعه است که در عین حال میزان دل‌بستگی و یا بی‌تفاوتی افراد را در قبال یک وظیفه مهم نشان می‌دهد. طبق آخرین سرشماری جمعیت شهرستان بهشهر در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۱۹۴۷۰۲ نفر می‌باشد و بنا بر گزارش استانداری مازندران، ۹۵ درصد افراد واجد شرایط مردم این

شهرستان در دوره انتخابات مشارکت فعال داشتند، لذا این بیانگر آن است که میزان مشارکت سیاسی مردم و نیز توجه به هویت ایران و ایرانی بودن آنها بالا می‌باشد. در پژوهش حاضر هویت ملی را در دو بعد زبانی و سیاسی در نظر می‌گیریم. بنابراین، با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان گفت که عدم توجه به این حوزه در هدر رفت هزینه‌های صورت گرفته تأثیرگذار خواهد بود که در این راستا تحقیق حاضر بر این است که به بررسی رابطه هویت ملی و مشارکت سیاسی در افراد بالای ۱۸ سال شهر بهشهر بپردازد.

۲- روش‌شناسی تحقیق

۱-۲- روش تحقیق

روشی که شاید بتواند به نحو شایسته‌ای این تحقیق را در بر گیرد و به سؤالات تحقیق کمک نماید روش تحقیق پیمایشی خواهد بود که به صورت پرسشنامه‌ای تهیه شده است. مهمترین ویژگی این روی امکان تعمیم نتایج بدست آمده از یک نمونه به جامعه آماری است. هر گاه جامعه مورد نظر از وسعت زیادی برخوردار باشد و دسترسی به تک تک افراد وجود نداشته باشد، مناسبترین تکنیک به کارگیری پیمایش است (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۴۶).

۲-۲- جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری تحقیق شامل افراد بالای ۱۸ سال در شهرستان بهشهر می‌باشد که بنا بر استعلام از اداره ثبت احوال شهرستان بهشهر به طور تخمینی برابر با ۱۴۵ هزار نفر می‌باشد. با توجه به حجم بالای جامعه آماری برای تعیین حجم نمونه آماری، از جدول کرجسی مورگان استفاده شده است که با توجه به جدول کرجسی مورگان، حجم نمونه آماری برای ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شده است که از طریق شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای از نوع تصادفی تعدادی از افراد بالای ۱۸ سال را در نظر گرفته‌ایم. در تعریف حجم نمونه، نکته مهم معرف بودن آن است. منظور از معرف بودن این است که همه صفات جامعه، خاصه آن صفات مورد نیاز و با اهمیت به تناسب در نمونه وجود داشته باشد و بتوان نتایج به‌دست آمده را به کل جامعه تعمیم داد (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

۳-۲- شیوه نمونه‌گیری

برای تکمیل پرسشنامه در شهرستان بهشهر، نقشه شهر را به پنج قسمت شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکزی تقسیم کردیم. سپس در هر قسمت دو بلوک به‌صورت تصادفی انتخاب شد. پرسش‌گر پس از مراجعه به هر بلوک براساس دستورالعمل زیر اقدام به تعداد تکمیل پرسشنامه‌های لازم می‌نمود:

پرسش‌گر پس از مراجعه به بلوک مورد نظر، از ضلع جنوب شرقی، اقدام به تکمیل پرسش‌نامه می‌کرد.

در انتخاب خانه نمونه، پس از هر دو خانه، خانه نمونه انتخاب می‌شود.

پس از انتخاب خانه نمونه از افراد بالای ۱۸ سال خواسته می‌شد که پرسشنامه را با نهایت دقت بعد از تکمیل

شدن، تحویل نمایند.

اگر در بلوک انتخابی تعداد نمونه مورد نظر تکمیل نشد، پرسش‌گر باید به بلوک مجاور مراجعه نموده و تعداد

نمونه‌های باقی‌مانده را تکمیل کند.

۴-۲- ابزار گردآوری داده‌ها

همان‌طور که ذکر گردید، اطلاعات لازم به‌وسیله پرسشنامه گردآوری گردید. پس از طراحی سؤالات و گویه‌های مناسب جهت سنجش متغیرهای تحقیق و اعمال نظر اساتید راهنما و مشاور، پرسشنامه اصلی طراحی گردید. همچنین، برای اطمینان از روانی و قابل‌فهم بودن سؤالات، یک مرحله پیش‌آزمون در نظر گرفته شد که براساس نتایج آن بعضی گویه‌ها و سؤالات حذف گردید و یا به‌گونه قابل‌فهم‌تری بیان شد.

۵-۲- اعتبار و روایی ابزار سنجش

اعتبار سنجش بستگی به تطابق مفهوم با معرف‌های تجربی سنجش آن دارد. اصلی‌ترین روش آزمون اعتبار، بررسی دقیق سنجه مفهوم در پرتو معنای آن و طرح این پرسش جدی است که آیا این ابزار سنجش واقعاً مفهوم مورد نظر را می‌سنجد یا نه. در این تحقیق برای ارزیابی اعتبار سنجه‌ها از روش اعتبار سازه استفاده شده است. در این شیوه، ارزیابی سنجه برحسب مطابقت آن با انتظارات نظری صورت می‌گیرد. جهت سنجش اعتبار از آنجا که هماهنگی درون بین آیتم‌ها و ضریب آیت‌ها و ضریب آلفای کرونباخ که برپایه آن قرار دارد، از عمومی‌ترین شیوه‌های بررسی پایایی ابزارهای سنجش است (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۱۳۹). به این منظور، از نظریات متخصصان و کارشناسان جامعه‌شناسی در زمینه‌ی منطبق بودن محتوای سؤالات با ویژگی‌های مورد نظر استفاده شده است.

منظور از روایی این است که اگر آزمایشی را چندبار تکرار کنیم یا تجزیه و تحلیل را به دفعات مختلف انجام دهیم در همه موارد نتایج به دست آمده یکسان باشد (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۱۵۱).

این پرسشنامه‌ها دارای اعتبار سازه و صوری می باشند. درباره روایی سازه قابل ذکر است که محقق در خصوص تدوین و تعریف عملیاتی متغیرها از نظر اساتید راهنما و مشاور بهره برده است. همچنین برای تعیین روایی این تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است بدین گونه که برای سنجش پایایی در جریان یک مطالعه مقدماتی از ۳۰ نفر مورد ارزیابی قرار گرفته است. در واقع، آلفای کرونباخ نشانگر انسجام درونی و هم‌سازی داخلی گویه‌ها به‌شمار می‌رود (جدول ۱).

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ

مفهوم	ابعاد	تعداد گویه	مقیاس	آلفای کرونباخ	آلفای کل
هویت ملی	بعد زبانی هویت ملی	۶	ترتیبی	۰/۷۵	۰/۷۹
	بعد سیاسی هویت ملی	۳	ترتیبی	۰/۷۸	
مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی مثبت	۱۳	ترتیبی	۰/۸۲	۰/۸۶
	مشارکت سیاسی منفی	۱۳	ترتیبی	۰/۸۱	

۲-۶- گویه‌های پرسشنامه هویت ملی

هویت مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و معانی است که در درون نقش اجتماعی یا موقعیت اجتماعی به‌کار گرفته می‌شود تا بیان کند چه کسی هستیم. این مجموعه از ویژگی‌ها و معانی به‌عنوان معیار یا منبع برای چه کسی بودن خدمت می‌کند و بر رفتار ما تأثیر می‌گذارد.

بعد زبانی هویت ملی: این بعد، میراث مکتوب، مجموعه‌های داستانی، ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، تصنیف‌ها، متل‌ها و چیستان‌ها و دلبستگی و تعلق خاطر بدان‌ها را شامل می‌شود. همان‌گونه که در تعریف مفهومی گفته شد، در این متغیر ما چند ویژگی مانند: عشق ورزیدن به زبان فارسی، آشنایی با شاعران ایرانی، به‌کارگیری ضرب‌المثل‌های ایرانی را مدنظر قرار می‌دهیم (جدول ۲).

جدول ۲: گویه‌های بعد زبانی هویت ملی

ردیف	گویه	منبع	سنجش	شماره
۱	من به زبان فارسی عشق می‌ورزم.	چلبی، ۱۳۸۸	ترتیبی	۱
۲	من از خواندن داستان‌های ایرانی لذت می‌برم.	گودرزی، ۱۳۸۴	ترتیبی	۲
۳	مشاهیری چون فردوسی، حافظ، سعدی، مایه افتخار هستند.	گودرزی، ۱۳۸۴	ترتیبی	۳
۴	من علاقه خاصی به ضرب‌المثل‌های ایرانی دارم.	ظهرایی، ۱۳۸۹	ترتیبی	۴
۵	چو ایران نباشد تن من میاد.	روح‌الامینی، ۱۳۸۳	ترتیبی	۵
۶	ایرانی بودن برای من مایه افتخار است.	موسوی، ۱۳۸۲	ترتیبی	۶

بعد سیاسی هویت ملی: میزان وفاداری اعضای یک سرزمین جغرافیایی نسبت به نهادها، نظام حکومتی، ارزش‌ها و ایدئولوژی سیاسی و مرزهای کشور را می‌سنجد. برای سنجش این بعد از هویت ملی از معرف‌های نماد، نظام حکومتی و ایدئولوژی سیاسی استفاده شد (جدول ۳).

جدول ۳: گویه‌های بعد سیاسی هویت ملی

ردیف	گویه	منبع	سنجش	شماره
۱	من برای دفاع از کشورم حاضرم از مال خودم بگذرم.	چلبی، ۱۳۸۸	ترتیبی	۷
۲	من برای دفاع از کشورم حاضرم از جانم بگذرم.	چلبی، ۱۳۸۸	ترتیبی	۸
۳	من با دیدن پرچم ایران احساس سربلندی می‌کنم.	چلبی، ۱۳۸۸	ترتیبی	۹

۷-۲- مشارکت سیاسی

ورنا ونای چهار نوع مشارکت سیاسی را از یکدیگر متمایز می کنند که شامل رای دادن، مشارکت در مبارزات انتخاباتی، مشارکت در فعالیت محلی، برخورد های شخصی با ادارات، در تعریف عملیاتی و مفهوم مشارکت سیاسی مثبت از دو مولفه استفاده شده است که شامل مشارکت سیاسی انتخاباتی و مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی می باشد.

مشارکت سیاسی انتخاباتی شامل مشارکت سیاسی انتخاباتی گذشته و مشارکت سیاسی انتخاباتی آینده است که برای سنجش هر کدام، از چهار گویه (شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای اسلامی شهر و روستا، خبرگان) استفاده شده است. برای سنجش مولفه غیرانتخاباتی نیز ۹ گویه (حمایت از جناح سیاسی خاص، فعالیت در ستاد انتخاباتی، شرکت در مجالس سخنرانی کاندیداها شرکت در راهپیمایی، عضویت رسمی یک حزب، تلاش برای متقاعد کردن دیگران برای رای دادن به یک کاندیدا، تلاش برای دریافت پست سیاسی، ارتباط با سیاست مداران، شرکت در بحث های سیاسی) مورد استفاده قرار گرفته است. جهت سنجش مشارکت سیاسی منفی نیز از ۱۰ گویه استفاده شده است (که شامل: شرکت در راهپیمایی اعتراضی، سرزنش دیگران به خاطر شرکت در انتخابات، سرزنش دیگران بخاطر فعالیت در ستاد انتخاباتی، مخالفت با شروع بحث های سیاسی در یک نشست خانوادگی، تحسین دیگران بخاطر قطع رابطه با سیاست مداران، سرزنش دیگران بخاطر شرکت در جلسات سخنرانی کاندیداها، سرزنش دیگران بخاطر دریافت پست سیاسی، سرزنش دیگران بخاطر عضویت در احزاب، سرزنش دیگران بخاطر هواداری از جناح های سیاسی، عضویت در احزاب سیاسی فاقد مجوز قانونی می باشد) (جدول ۴).

جدول ۴. ابعاد متغیر وابسته مشارکت سیاسی

متغیر	ابعاد	خرده ابعاد ۱	خرده ابعاد ۲	گویه ها	
مشارکت سیاسی مثبت	مشارکت سیاسی مثبت	مشارکت انتخاباتی سیاسی	انتخابات گذشته	شرکت در انتخابات ریاست جمهوری	
				شرکت در انتخابات مجلس شورا اسلامی	
				شورای اسلامی شهر	
				مجلس خبرگان رهبری	
				شرکت در انتخابات ریاست جمهوری	
				شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی	
مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی مثبت	مشارکت غیرانتخاباتی سیاسی	انتخابات آینده	شورای اسلامی شهر	
				مجلس خبرگان رهبری	
				حمایت از جناح سیاسی خاص	
				فعالیت در ستاد انتخاباتی	
				شرکت در مجالس سخنرانی کاندیداها	
				شرکت در راهپیمایی	
	مشارکت سیاسی منفی	مشارکت غیرانتخاباتی سیاسی	انتخابات	انتخابات گذشته	عضویت رسمی یک حزب
					تلاش برای متقاعد کردن دیگران به رای دادن به یک کاندیدا
					تلاش برای دریافت پست سیاسی
					رتباط با سیاست مداران
					سرزنش دیگران برای فعالیت در ستاد انتخاباتی
					سرزنش دیگران به خاطر شرکت در انتخابات
مشارکت غیرانتخاباتی	مشارکت غیرانتخاباتی سیاسی	مشارکت غیرانتخاباتی سیاسی	مشارکت غیرانتخاباتی سیاسی	شرکت در راهپیمایی اعتراضی	
				مخالفت با شروع بحث های سیاسی در یک نشست خانوادگی	
				تحسین دیگران برای قطع رابطه با سیاست مداران	
				سرزنش دیگران بخاطر شرکت در جلسات سخنرانی در کاندیداها	
				سرزنش دیگران بخاطر دریافت پست سیاسی	
				سرزنش دیگران بخاطر عضویت در احزاب	
				سرزنش دیگران بخاطر هواداری از جناح های سیاسی	
				عضویت در احزاب سیاسی فاقد مجوز قانونی	

۲-۸- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور توصیف یافته‌ها، از جداول و نمودارهای فراوانی استفاده شد. ضمن این که به منظور توصیف بهتر داده‌ها از شاخص‌های مرکزی و همچنین شاخص‌های پراکندگی بهره گرفته شد. در راستای تایید یا عدم تایید توزیع نرمال بودن داده‌ها جهت سنجش متغیرها از آزمون کلموگروف اسمیرونوف استفاده گردید. برای تحلیل داده‌ها از روش آماری پیرسون و رگرسیون چند متغیره از طریق نرم افزار SPSS انجام شد.

۳- یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق نشان داد که از ۳۸۴ نفر تعداد کل پاسخگویان مورد مطالعه ۲۴۸ نفر مرد و ۱۳۶ نفر زن بودند که درصد هر یک از آنها نسبت به کل پاسخگویان به ترتیب برای مردان ۶۴/۶ و برای زنان ۳۵/۴ درصد می باشد. آنچه قابل توجه به نظر می رسد این است که نسبت مردان در حدود ۳۰ درصد بیشتر از زنان می باشد. همچنین از ۳۸۴ نفر تعداد کل پاسخگویان مورد مطالعه، بیشترین تراکم به لحاظ میزان تحصیلات به لیسانس (۱۹۵ نفر) تعلق گرفته است. در این تحلیل تعداد دیپلم ۱۰/۲ درصد، فوق دیپلم ۲۹/۲ درصد، لیسانس ۵۰/۸ درصد و فوق لیسانس ۹/۹ درصد را به خود اختصاص داده اند. از ۳۸۴ نفر از کل پاسخگویان، ۲۱۸ نفر مجرد و ۱۶۶ نفر متأهل می باشد که درصد آنها به ترتیب ۵۶/۸ درصد و ۴۳/۲ درصد می باشد. از ۳۸۴ نفر تعداد کل پاسخگویان مورد مطالعه، بیشترین تعداد افراد رده سنی ۳۰-۳۹ سال را در اختیار دارند که تعداد آنها ۱۷۳ نفر می باشد. افراد با رده سنی کمتر از ۲۰ سال ۱۱/۷ درصد، ۲۹-۲۱ سال ۳۷/۰ درصد، ۳۹-۳۰ سال ۴۵/۱ درصد و افراد در رده سنی ۴۹-۴۰ سال ۶/۲ درصد را به خود اختصاص داده است.

همان طوری که در جدول (۴) مشاهده می شود، میانگین نمرات برای متغیرهای اصلی هویت ملی (۶۳/۲۹) و مشارکت سیاسی (۹۳/۶) می باشد. همچنین در بین ابعاد هویت ملی بیشترین میانگین نمرات مربوط به بُعد زبانی (۲۵/۶) و در بین ابعاد مشارکت سیاسی مربوط به بُعد مشارکت سیاسی مثبت (۵۰/۶) می باشد.

جدول ۴. داده‌های آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
هویت ملی	هویت ملی	۶۳/۲۹	۴/۴۶
	بُعد زبانی	۲۵/۶	۲/۴
	بُعد سیاسی	۱۲/۴	۱/۶
مشارکت سیاسی	مشارکت سیاسی	۹۳/۶	۸/۸
	مشارکت سیاسی مثبت	۵۰/۶	۳/۸
	مشارکت سیاسی منفی	۴۲/۹۷	۷/۷

با توجه به جدول (۵) سطح سنجش و آزمون نرمال بودن داده‌ها در متغیرهای بُعد زبانی هویت ملی و مشارکت سیاسی، برای بررسی رابطه متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. بررسی رابطه متغیرها گویای این است که بین دو متغیر همبستگی معناداری وجود دارد. بنابراین می توان گفت که بین بُعد زبانی هویت ملی و مشارکت سیاسی افراد بالای ۱۸ سال شهر بهشهر رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به جدول (۵) سطح سنجش و آزمون نرمال بودن داده‌ها در متغیرهای بُعد سیاسی هویت ملی و مشارکت سیاسی، برای بررسی رابطه متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. بررسی رابطه متغیرها گویای این است که بین بُعد سیاسی هویت ملی و مشارکت سیاسی افراد بالای ۱۸ سال شهر بهشهر رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین می توان گفت که بین بُعد سیاسی هویت ملی و مشارکت سیاسی افراد بالای ۱۸ سال شهر بهشهر رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به جدول (۵) سطح سنجش و آزمون نرمال بودن داده‌ها در متغیرهای بُعد مشارکت سیاسی مثبت و مشارکت سیاسی منفی، برای بررسی رابطه متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. بررسی رابطه متغیرها گویای این است که بین دو متغیر همبستگی معناداری وجود دارد. بنابراین می توان گفت که بین هویت ملی و بُعد مشارکت سیاسی منفی افراد بالای ۱۸ سال شهر

رابطه معناداری وجود دارد. بدین صورت که هر چه میزان هویت ملی بیشتر گردد به همان نسبت میزان بُعد مشارکت سیاسی منفی کمتر خواهد شد چون رابطه منفی و معکوس بین این دو متغیر وجود دارد.

جدول ۵. ماتریس همبستگی بین متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) با متغیرهای مستقل

متغیرها	میزان همبستگی	سطح معناداری
بُعد زبانی	۰/۱۱۱	۰/۰۳
بُعد سیاسی	۰/۱۵۹	۰/۰۰۲
مشارکت سیاسی مثبت	۰/۳۴۱	۰/۰۰۰
مشارکت سیاسی منفی	- ۰/۱۱۷	۰/۰۲۲

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج تحقیق، بین بُعد زبانی هویت ملی و میزان مشارکت سیاسی افراد بالای ۱۸ سال رابطه معنی دار وجود دارد. نتایج این تحقیق با نتایج مطالعات خلف زاده (۱۳۹۳)، رحیمی رستم آبادی (۱۳۸۹)، پناهی و همکاران (۱۳۸۹)، ابوالحسنی و همکاران (۱۳۸۹) و موسوی و همکاران (۱۳۸۲) همخوان می باشد. نظام های سیاسی بر پایه ی اعتماد عمومی و اراده ی مردم استوار می گردند و استمرار و اقتدار آنها وابسته به مشارکت و دخالت مردم است. این مشارکت در قالب های مختلفی شکل می گیرد؛ از جمله شرکت مردم در انتخابات و همه پرسی ها و حساسیت نسبت به نوع جریان امور در کشور و میزان دلبستگی آنها به نظام حاکم بر جامعه و حمایت از آن. در جوامع مدرن این مشارکت در قالب احزاب سیاسی و نهادهای اجتماعی هدایت می شود. عقاید و هویت سیاسی یک شخص، تأثیر تعیین کننده ای بر عمل سیاسی او می گذارد. در سیاست و مشارکت سیاسی و اجتماعی، بر خلاف علوم طبیعی، بین نظر علمی و عقاید، یعنی بین معرفت سیاسی و عقیده ی سیاسی فاصله ای نیست و نمی توان تأثیر عقاید و هویت یک شخص بر عمل سیاسی اش را انکار کرد.

بر اساس نتایج تحقیق، بین بُعد سیاسی هویت ملی و میزان مشارکت سیاسی افراد بالای ۱۸ سال رابطه معنی دار وجود دارد. نتایج این تحقیق با نتایج مطالعات خلف زاده (۱۳۹۳)، رحیمی رستم آبادی (۱۳۸۹)، پناهی و همکاران (۱۳۸۹)، ابوالحسنی و همکاران (۱۳۸۹) و موسوی و همکاران (۱۳۸۲) همخوان می باشد. رحیمی رستم آبادی (۱۳۸۸) در مطالعه خود به بررسی رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی دانشجویان، مورد: دانشجویان دانشگاه قم پرداخته دریافتند که بعد سیاسی هویت ملی رابطه معنی داری با مشارکت سیاسی دارد. توسعه مشارکت سیاسی پدیده‌ای است که نمی توان تأثیرش را بر حیات اجتماعی و سیاسی جهان امروز، بویژه در جوامع در حال توسعه، انکار کرد. در فرایند تحقق توسعه یافتگی مشارکت سیاسی عوامل گوناگونی ایفای نقش کنند. بر اساس نظریات موجود توسعه یافتگی سیاسی در دو سطح خرد و کلان قابل بررسی است، معرف‌های سطح کلان توسعه یافتگی سیاسی در عرصه ساخت سیاسی و ساخت اجتماعی تعیین شده‌اند و معرف‌های سطح خرد در عرصه فرهنگ سیاسی و رفتار افراد قابل تشخیص‌اند که عبارت بودند از: فرهنگ سیاسی دموکراتیک، اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی، هویت ملی. هویت ملی یکی از مؤلفه‌های بنیادی شکل‌گیری و بقاء جامعه ملی است که تزلزل، تجزیه و تضعیف آن موجب بی‌ثباتی اجتماعی می‌گردد اما این پدیده به لحاظ کمیت و کیفیت عناصر هم از نظر تعاریف ارائه شده و هم به تناسب زمان و مکان اجتماعی نسبی است، نسبی بودن آن دلیل بر انکار و یا کم‌اهمیت دانستن آن نیست.

محدودیت‌های و تنگناهای تحقیق

اساساً مسیر پژوهش ناهموار و مملو از پرتگاه‌های و تنگناهایی است که هر اینه امکان دارد تا اعتبار و پایایی تحقیق را به ورطه لغزش نزدیک کند. پس شناسایی و معرفی این محدودیتها از مولفه ها و پیش شرطهای هر پژوهش علمی به شمار می آید، که بر این اساس و بنا به ضرورت به پاره ای از آنها که به نوعی پیامد عدم توجه به پژوهش و فرهنگ پژوهش در این سرزمین است، اشاره می شود. پس شناسایی و معرفی این محدودیتها از مؤلفه ها و پیش شرطهای هر پژوهش علمی به شمار می آید، که بر این اساس و بنا به ضرورت به پاره ای از آنها که به نوعی پیامد عدم توجه به پژوهش و فرهنگ پژوهش در این سرزمین است، اشاره می شود. از آن جمله :

- کمبود منابع علمی و پایان نامه در حوزه جدید و نوپای مشارکت سیاسی و سرمایه اجتماعی
- عدم به روز بودن پایگاه های اینترنتی و فقدان اطلاعات جدید و به هنگام در حوزه تحقیق حاضر

- سایست زدگی ابعاد و ایتیم های مورد بررسی در حیطة مفهوم مشارکت سیاسى
- وجود نگرشى منفى نسبت به کار تحقیقى و تکمیل پرسشنامه در بین جوانان
- محافظه کارى نمودن در پاسخگویی به بعضی از سوالات حساس و در عین حال مهم و اساسی از طرف بعضی از جوانان.

منابع

- ابوالحسنی، رحیم؛ احمدی، حمید و ربانی، محمد، (۱۳۸۹)، «بررسی میزان تاثیر هویت قومى بر مشارکت سیاسى مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسى.
- احمدی، حمید، (۱۳۸۳)، «هویت و قومیت در ایران»، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعى جهاد دانشگاهی.
- ازکیا، مصطفی، (۱۳۸۱)، «جامعه شناسی توسعه»، تهران: نشر کلمه .
- پناهی، غلامحسین؛ موحدی، محمد ابراهیم و رحیمی رستم آبادی، ابوذر، (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسى دانشجویان، مورد: دانشجویان دانشگاه قم»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعى.
- حیدری، محمد، (۱۳۸۳)، «هویت و امنیت ملی، در مبنای نظری هویت و بحران هویت، به اهتمام علی اکبر علیخانی»، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعى جهاد دانشگاهی.
- خلفزاده فاطمه، (۱۳۹۳)، «اقوام خوزستان و مشارکت سیاسى با تاکید بر هویت ملی»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اهواز.
- دلیرپور، پرویز؛ نجاتی، عباس، (۱۳۹۶)، «بررسی و شناسایی تاثیر شاخص های فرهنگى بر میزان مشارکت سیاسى مردم (مورد مطالعه : انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶)»، همایش بین المللی حقوق علوم سیاسى و معارف اسلامى، تهران، مرکز همایش های کوشاگستر.
- راش، مایکل (۱۳۸۱)، «جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری»، تهران: انتشارات سمت.
- رحیمی رستم آبادی، ابوذر، (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسى دانشجویان، مورد: دانشجویان دانشگاه قم»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- روح الامینی، محمود، (۱۳۸۳)، «مفهوم شناسی هویت ملی (گفتگو)»، تهران: انتشارات تمدن ایرانى.
- ساورخانی، باقر، (۱۳۸۹)، «روشهای تحقیق در علوم اجتماعى»، تهران: انتشارات علمى فرهنگى.
- غم، محمدرضا، (۱۳۸۶)، «ریشه های هویت ایرانى در قیام میرزا کوچک خان جنگلى»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۸، ص ۳۱-۹۸.
- قیصرى، نورالله، (۱۳۷۷)، «قومیت عرب و هویت ملی در ج. ا. ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردى، پیش شماره اول، صص ۴۹-۸۳.
- کامران، حسن؛ هاتفى، مریم، (۱۳۹۰)، «تاثیر فرهنگ اقوام گرایى در مشارکت سیاسى با تاکید بر طوایف غربى ایران، یازدهمین کنگره جغرافیدانان ایران»، تهران، انجمن جغرافیایى ایران، دانشگاه شهید بهشتى.
- مکاریان فرگ، زهره، (۱۳۹۳)، «بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسى در میان شهروندان تهران، اولین کنفرانس بین المللی روان شناسى و علوم رفتارى» تهران، موسسه همایشگران مهر اشراق، مرکز همایشهای دانشگاه تهران.
- موسوی، یعقوب، قانعى راد، محمد امین، حبیب زاده مرودشتى، فهمیمه، (۱۳۸۲)، «بررسی هویت ملی و دینی جوانان و تاثیر آن بر مشارکت سیاسى و اجتماعى آنها»، پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم انسانی، جامعه شناسى.
- نظری علی اشرف، (۱۳۹۰)، «احزاب سیاسى و هویت ملی تاملی در کارکردها و چشم اندازها»، مطالعات ملی، دوره ۱۲، شماره ۱(۴۵)، ۶۳-۹۸.
- Ashford, D. E, (2015), National Development and Local Reform: Political Participation in Morocco, Tunisia, and Pakistan. Princeton University Press.

